

هرچند کروناویروس آسیب های جدی از لحاظ تلفات انسانی و اقتصادی به جامعه ایران وارد نمود ولیکن فرصت های کم نظیری در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده است که در صورت شناخت و استفاده از آن می توان برای تحقق شعار سال که جهش تولید می باشد، به خوبی بهره مند شد.

لازم به یادآوری این مقدمه است که همواره شرایط سخت که به نوعی ابتلا برای جوامع بشری است، پس از آن که آن شرایط، هوشمندانه و با مدیریت صحیح پشت سر گذاشته شد، می توان تحولی شگرف در کلیه عرصه های حیات اجتماعی ایجاد کرد که البته منوط به مدیریت صحیح پساشرایط سخت می باشد. پتانسیل حاصل از طی دوران سخت که به نسبت میزان سختی، متراکم شده است، آزاد شده و منشأ تحول می شود. به عنوان مثال، تحولی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، منطقه و جهان به وجود آمد، حاصل تراکم ظرفیت های مبارزاتی دوران سخت ستمشاهی بود و یا دستاوردهایی که پس از دوران سخت جنگ تحمیلی در عرصه های مختلف به دست آمد، بارزترین شاهد مثال است. پتانسیل ایجاد شده در عرصه های علم و فناوری، انرژی هسته ای، ساخت موشک های دوربرد و نقطه زن، دستیابی به فضا، نانو تکنولوژی و توسعه منابع انسانی آزاد شد و در نتیجه شکوفایی هایی را به دنبال داشت، اما به جهت این که اقتصاد کشور از این پتانسیل محروم ماند و مغرور به اتکالی نفت بود، اتفاقی رخ نداد. این پدیده در عرصه جهانی نیز صدق می کند. پیشرفت های صنعتی جهان و یا در علم مدیریت، حاصل دوران پس از جنگ های سخت جهانی اول و دوم است.

اما فرصت هایی که کروناویروس ساخته است

۱- در عرصه سیاسی

متأسفانه ظرف ۶، ۷ سال گذشته، بسیاری از مسئولان اجرایی و سیاستمداران که در مقام تصمیم گیری بودند، دچار رویکرد اشتباهی شده و راه برون رفت از معضلات اقتصادی و معیشتی مردم را در گرو مذاکره و سازش با غرب و آمریکا می دانستند و آنان را خداهایی می پنداشتند که تقدیر سایر کشورها از جمله ایران به دست آن ها رقم می خورد، اما با پیش آمدن بحران کرونا که چه بسا خودساخته باشد، نه تنها مردم ایران بلکه جهان عمیقاً متوجه شدند که چنین کدخداهایی حتی عاجزتر از آن هستند که به مردم در مانده خودشان کمک کنند. کدخداهایی که با قلدری و تزویر بخش اعظمی از ثروت های جهان و کشورهای مستضعف و ایران را به غارت برده اند، امروز قادر به تهیه ماسک، لباس مخصوص و تجهیزات پزشکی مرتبط نیستند تا جایی که به کشورهای مانند کوبا و چین که در جنگ سیاسی و اقتصادی با آنان بودند، دست دراز کرده اند. این شناخت سیاسی از دشمن می تواند درس بزرگی برای غرب زدگان باشد و باعث شود رویکرد آنان را تغییر دهد و اتکا به ظرفیت های بی کران و خدادادی داخل داشته باشند. چنین تغییر رویکردی با توجه به این که «نفت» هم ارزش خود را از دست داده است، می تواند عامل تعیین کننده ای در جهش تولید و رشد اقتصاد ملی شود.

۲- در عرصه اجتماعی

شرایط سخت اجتماعی به وجود آمده، باعث گردیده است علی رغم تعطیلی اجتماعات، محافل و مجالس مختلف، نوعی همبستگی ملی ایجاد شود. تبلور این همبستگی را در همه اقشار مختلف اجتماعی به ویژه در کادر درمان کشور شاهد هستیم که قله اوج فداکاری و از خودگذشتگی را فتح کرده اند. همبستگی ملی برای تدارک نیازهای درمانی از ماسک تا تجهیزات پزشکی و کمک رسانی به اقشار اجتماعی که صدمه اقتصادی و معیشتی دیده اند، فرازهای فراموش ناشدنی است که این روزها و در این دوران شاهد هستیم. این انسجام ملی در بین آحاد مردم، دولت و مردم و در بین جریان های مختلف سیاسی مثال زدنی شده است.

اگر دولت و دست اندرکاران اداره کشور از این همبستگی و انسجام ایجاد شده برای جهش رشد اقتصادی و تولید بهره مند شوند، فرصت گرانبهایی است که در آینده تکرار نخواهد شد.

۳- در عرصه فرهنگی

خودباوری و دین باوری از جمله دستاوردهای این دوران سخت است. دورانی که همه مردم و آحاد جامعه به اجبار درگیر آن هستند. با خودباوری و این که «ما می توانیم» - که در شرکت های دانش بنیان اوج گرفته است - نه تنها نیازهای تجهیزات پزشکی کشور تأمین و تولید گردید، بلکه ایران قادر به صادرات و کمک به سایر کشورها شد.

اتکا به ارزش های دینی و معنوی بار دیگر احیا شده و به نوعی پالایش روحی و معنوی افتاده است و علی رغم این که قریب به اتفاق زندانیان آزاد شده اند، جامعه به خوبی مورد پذیرش و پالایش قرار گرفته است. آیا با سوق چنین فرهنگی به عرصه تولید و اقتصاد، نمی توان شاهد جهش بود؟ چنین فرهنگی در هشت سال دفاع مقدس به سختی حاصل شد. اگر پس از

جنگ تحمیلی، فرهنگ پیروزمندانانه فرماندهان و سربازان میدان جنگ را به عرصه [اقتصاد کشور](#) نبردیم و غفلت کردیم، دقت کنیم که تکرار نشود و بدانیم که شکوفایی در اقتصاد ملی، ره توشه ای است که اقتدار ملی و ایستادگی در مقابل قدرت های مستکبر و قلدر را به دنبال دارد.